



Review Article

The War between Right and Wrong in the Culture of the Waiting and the School of Shahid Soleimani

Hossein Elahinejad¹

Received: 02/07/2022

Accepted: 08/10/2023

Abstract

In the Age of Occultation, the confrontation between right and wrong takes place in the condition of the waiting (for Imam Mahdi) with the leadership of the Wali Faqih as the representative of Imam Zaman. In the contemporary era, Imam Khomeini and Imam Khamenei, as leaders of the Islamic revolution of Iran, accompanied by the people and warriors of Islam, headed by Shahid Haj Qasem Soleimani, stood against the arrogance of the world and their followers and set up a confrontation between right and wrong. The school of (thought) Shahid Soleimani, which is derived from the school of the two leaders of the revolution, has displayed a special style and method against arrogance and global Zionism by using the strategies of the waiting, such as the strategy of hope, growth, resistance, resilience, etc. This article has dealt with the quality of the relationship between the school of Shahid Soleimani and the waiting of right and wrong, and it has been examined by collecting data through a library and documentary method along with data processing in a descriptive and analytical way. The goals and achievement of this study is to set an example and give courage to the people of Iran and the Middle East in fighting against arrogance and global Zionism and institutionalizing the culture of fighting among Muslims and Islamic societies with a national and transnational approach.

Keywords

The two Imams of the Islamic Revolution, Shahid Soleimani, confrontation between right and wrong, the waiting, resistance.

1. Full professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.elahinejad@isca.ac.ir.

* Elahinejad, H. (1402 AP). The war between right and wrong in the culture of the waiting and school of Shahid Soleimani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(7), pp. 8-33

Doi: 10.22081/JM.2023.64358.1058.



مقاله علمی - ترویجی

مصاف حق و باطل در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی

حسین الهی‌نژاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱



چکیده

در عصر غیبت مصاف حق و باطل در فضای انتظار با رهبری ولی فقیه به‌عنوان نماینده امام زمان (عج) انجام می‌گیرد. در دوران معاصر، امام خمینی و امام خامنه‌ای به‌عنوان رهبران انقلاب با همراهی مردم و رزمندگان اسلام، در رأس آنها شهید حاج قاسم سلیمانی در برابر استکبار جهانی و پیروانشان ایستاده و مصاف حق علیه باطل را رقم زده‌اند. مکتب شهید سلیمانی که بر گرفته از مکتب دو رهبر انقلاب است، با بهره‌گیری از شاخصه‌های انتظار نظیر: امیدواری، بالندگی، مقاومت، تاب‌آوری و ... سبک و روش خاصی را در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی به نمایش گذاشته است. در این نوشتار با طرح پرسشی از کیفیت رابطه میان مکتب شهید سلیمانی با انتظار در مصاف حق و باطل به پژوهش پرداخته و با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی همراه با پردازش داده‌ها به روش توصیفی و تحلیلی تحقیق شده است. اهداف و دستاورد این پژوهش الگودهی و شجاعت‌بخشی به مردم ایران و خاورمیانه در مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی و نهادینه‌سازی فرهنگ مبارزه در میان مسلمانان و جوامع اسلامی با رویکرد ملی و فراملی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

امامین انقلاب، شهید سلیمانی، مصاف حق و باطل، انتظار، مقاومت.

h.elahinejad@isca.ac.ir

۱. استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۲). مصاف حق و باطل در فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی. دوفصلنامه علمی - ترویجی

Doi: 10.22081/JM.2023.64358.1058.

جامعه‌مهدوی، ۳(۷)، صص ۸-۳۳.

مقدمه

عصر غیبت با فرهنگ انتظار معنا و مفهوم پیدا می‌کند. مصاف حق و باطل در این عصر به جهت پدیده غیبت متمایز و متفاوت با عصرهای دیگر می‌باشد. غیبت دارای دو مرحله غیبت صغرا و غیبت کبرا بوده و این دو مرحله موجب تنوع مصاف حق و باطل شده است. در عصر غیبت صغرا مصاف حق و باطل به رهبری جانشینان خاص امام زمان علیه السلام و در عصر غیبت کبرا به رهبری جانشینان عام آن حضرت یعنی فقیهان جامع شرایط و در رأس آنها ولی فقیه رقم می‌خورد. غیبت کبرا که از نظر زمان و کیفیت غیبت متمایز از غیبت صغرا است؛ منشأ بسیاری از نهضت‌ها و انقلاب‌های مسلمانان به خصوص شیعیان می‌باشد. این نهضت‌ها و انقلاب‌ها که به نحوی بیانگر مبارزه و تقابل حق علیه باطل بوده، با سه مؤلفه اساسی «بسترشناسی»، «فرایندشناسی» و «برایندشناسی» بازشناسی می‌شود؛ یعنی به واسطه اصل غیبت که نقش خاستگاه را دارد، بسترشناسی انقلاب و به واسطه انتظار که نقش پیش‌ران را دارد فرایندشناسی انقلاب و به واسطه ظهور که نقش غایت را دارد، برایندشناسی انقلاب توجیه می‌شود. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام در بستر غیبت شکل گرفته و با الگوی انتظار که تداعی گر رسالت منتظران همچون رزمندگان اسلام و شهدای مدافعان حرم نظیر حاج قاسم سلیمانی است تداوم آن تضمین می‌شود. پژوهش پیش رو با طرح این پرسش؛ نقش فرهنگ انتظار و مکتب شهید سلیمانی در مصاف حق و باطل چگونه است؟ آغاز شده و با فن کتابخانه‌ای و اسنادی به جمع‌آوری اطلاعات و با روش توصیفی و تحلیلی به تبیین داده‌های اطلاعات می‌پردازد. گرچه در خصوص تقابل حق و باطل مقالات مختلفی از جمله: «حق و باطل از دیدگاه امام علی علیه السلام» به قلم رضا رستمی‌زاده (۱۳۷۹) در مجله معرفت، «مهدویت و فرجام ستیز حق و باطل» اثر رحیم کارگر (۱۳۸۵) در مجله انتظار موعود، «تحلیل از ساختار حق و باطل در قرآن کریم» نوشته فروغ السادات رحیم‌پور (۱۳۸۵) در مجله پژوهش دینی، و «مهدویت؛ فرجام تنازع حق و باطل» به قلم نگارنده (۱۳۹۴) در مجله انتظار موعود منتشر شده است؛ اما هیچ یک از آنها با نگاه خاص به موضوع شهید سلیمانی و نگرش استکبارستیزی او نپرداخته‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی واژه‌ها

مصاف حق و باطل

مصاف از باب مفاعله به معنای تقابل دو چیز به صورت رو در رویی است. مصاف حق و باطل یعنی رو در روی قرار گرفتن دو جبهه حق و باطل جهت منازعه (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۱۹۴). بر اساس داده‌های قرآنی در این منازعه جبهه باطل به نابودی حتمی می‌رسد؛ «كذَلِك يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ»^۱ در قرآن به طور دقیق به این مصاف اشاره شده و جبهه باطل همیشه در برابر جبهه حق قرار داشته و دارد و همیشه میان آن‌ها درگیری و منازعه بوده و خواهد بود که در نهایت جبهه باطل با شاخصه‌های ظاهری، گذرا، سست و ناپایدار، مغلوب جبهه حق با شاخصه‌های حقیقی، واقعی، اصلی و پایدار، واقع شده^۲ و برای همیشه به سوی نابودی پیش می‌رود.

حق

حق که جمع آن حقوق و حقائق است، به معنای ثابت، صدق، یقین، غلبه و سزاوار (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۴۹) اصل، نهایت شیء و ضد باطل می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۶۱). راغب اصفهانی در کتاب مفردات حق را با رویکرد مصداقی به چهار نوع تقسیم کرده است: ۱. موجد شیء مثل خدا، انبیا، امامان و امام زمان علیهم‌السلام؛ ۲. شیء ایجادشده مثل فعل خدا، فعل انبیا و فعل امامان و فعل امام زمان علیهم‌السلام؛ یعنی نهضت و قیامی که حضرت در مصاف با دشمنان شروع می‌کنند؛ ۳. معتقدات باورمندان دینی مانند مرگ، برزخ، قیامت، دین، کتاب آسمانی؛ ۴. هر کار و هر سخنی که موافق با واقع و واجب باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۴۶). برخی مفهوم حق از دیدگاه قرآن کریم را در چهار حوزه معنایی به این شرح توضیح داده‌اند: الف. معنای وجودشناختی؛ حق به

۱. در این جا بعضی از مفسرین گفته‌اند که یعنی این چنین خداوند حق و باطل را مثال می‌زند؛ بعضی دیگر گفته‌اند این چنین خداوند حق و باطل را به یکدیگر می‌زند؛ یعنی این چنین میان حق و باطل تصادم و برخورد واقع می‌شود.

۲. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳)

این اعتبار عبارت است از موجود ثابت. ب. معنای معرفت‌شناسی؛ حق در این معنا عبارت است از: تطابق با امر واقع خارجی. حق در این معنا همان صدق است و در مقابل باطل به معنی کذب. ج. معنای حقوقی طبیعی؛ در این معنا رعایت حق و نه خود حق، عدل است و عدم رعایت آن ظلم. د. حوزه حقوق قراردادی یا نهادی؛ در این معنا حق مقابل باطل در مفهوم فقهی آن است. پس، حق امری است شرعی و صحیح در مقابل غیرحق و باطل (رحیم‌پور، ۱۳۸۵، صص ۱۴۹-۱۵۰). «حق» در قرآن ۲۴۵ بار تکرار شده، ولی باطل تنها در ۲۶ مورد آمده است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۵۹). اصطلاح حق بر اساس گوناگونی علوم همچون فلسفه، کلام، فقه، حقوق، اخلاق و سیاست معانی مختلف و گوناگون به خود می‌گیرد، ولی در این نوشتار اصطلاح حق با رویکرد کلامی (دینی و قرآنی) مورد نظر بوده و این رویکرد نیز بر اساس اقتضائات و متعلقات درونی و بیرونی متفاوت می‌باشد، اما در اینجا تعریف جامع که همان حق به معنای قول و اعتقاد مطابق با واقع و به معنای خود حقیقت و واقعیت بوده (رمضانی، ۱۳۹۰، ص ۸۹) مدنظر می‌باشد.

باطل

باطل، جمع آن اباطیل و بواطیل، نقیض حق است به معنای نابودی و چیزی که ثبات ندارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۹)، خسران، ضایع، هدر (ابن منظور، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۵۴) و نیز به معنای سَقَط و فساد می‌باشد (مقرمی قیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۲). از معنای نقیض حق می‌توان به معنای اصطلاحی باطل رسید؛ پس اصطلاح باطل در این نوشتار به معنای امر غیر واقع و غیر حقیقی بوده و چیزی است که مطابقت با واقع ندارد.

انتظار

واژه انتظار از ریشه «نظر» می‌باشد که در باب افتعال به کار برده شده است. از مترادف‌های معنایی آن تائی و ترقب و در لغت به معنای تأمل کردن، چشم داشتن، چشم به راه بودن، امیدداشتن و امیدوار بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۱۹). آنچه باعث تمایز این واژه از مترادف‌های آن می‌شود، وجود خاصیت «مطاوعه» در معنای آن است

که به طور کلی از خصوصیات باب افتعال به شمار می‌رود. «مطالع» به معنای تأثیرپذیری است و بدین خاطر معنای واژه انتظار برابر با «چشم به راه شدن» خواهد بود. از این مطلب به این نتیجه می‌رسیم که «انتظار» حالت و وصفی است که بر شخص متأثر، یک سلسله اموری مترتب می‌شود و بین وی و آنچه منتظر آن است رابطه تأثیر و تأثر برقرار است.

مکتب شهید سلیمانی

مکتب عبارت است از یک طرح جامع و منسجم که می‌خواهد با جهان‌بینی‌ای که می‌دهد و با دستورالعمل‌هایی که ارائه می‌کند، بشر را به طرف کمال و هدفش راهنمایی کند.

استاد مرتضی مطهری مکتب را چنین تعریف می‌کنند: «مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۸). در این تعریف استاد مطهری مکتب را به معنای ایدئولوژی گرفته که به نظر می‌رسد خیلی به واقع نزدیک نباشد؛ زیرا ایدئولوژی در برابر جهان‌بینی قرار داشته و جزئی از تعریف کلی مکتب می‌باشد.

مکتب به معنای مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی که دارای مبانی و اهداف مشخص است و یک نظام ارزشی برای چگونه زیستن را برای انسان معین می‌کند؛ همچنین به معنای افکار و آرای منسجم و نظام‌مند که دارای اهداف مشخص است و مسیر رسیدن به سوی کمال را برای انسان فراهم می‌کند (ضیایی‌فر، ۱۳۸۶).

مکتب شهید سلیمانی خاستگاهی به نام مکتب امامین انقلاب اسلامی و غایت و هدفی به نام انتظار و ظهور دارد؛ به بیان دیگر مکتب شهید سلیمانی با نیروی محرکه مکتب امامین انقلاب و با غایت‌گری و پیشرانی ظهور و جامعه مطلوب مهدوی و با

فرایندسازی توسط شاخصه‌های برگرفته از انتظار همچون صبر، مقاومت و تاب‌آوری به سوی انسجام ساختاری و تحول کارکردی پیش می‌رود. مکتب شهید سلیمانی در پارادایم مضمونی و تحلیل محتوایی و ساختاری خود، متشکل از سه مؤلفه اساسی به نام خاستگاه، فرایند و برآیند می‌باشد که به ترتیب نقش بسترسازی، ابزارسازی و هدف‌نمایی را برای این مکتب ایفا می‌کند.

مقام معظم رهبری در مورد قیمت‌گذاری حرکت شهید سلیمانی می‌فرماید: «اینکه ما بیایم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آن‌ها را بدانیم و بینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا می‌کند که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آن‌ها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم. آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد؛ قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

شایان ذکر است مکتب در اینجا به معنای اصطلاح خاص که در بردارنده مؤلفه‌هایی مانند عقیده، جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص همراه با سبک و روش خاص باشد نیست، بلکه مکتب شهید سلیمانی یعنی سبک و روش خاص در مبارزه با دشمنان اسلام و مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی و کمک به مستضعفان و مظلومان جهان با روش مقاومت و تاب‌آوری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. گستردگی مصاف حق و باطل

بر اساس داده‌های دینی با خاستگاه قرآنی و روایی و بر اساس داده‌های تاریخی با رویکرد نقلی و فلسفه تاریخی از دیرباز میان حق و باطل تعارض و تنازع بوده و خواهد بود؛ یعنی از ابتدای آفرینش انسان تا فرجام تاریخ بشریت که به ظهور و حکومت جهانی مهدوی منتهی می‌شود، این مصاف و مواجهه میان دو جبهه خیر و شر مطرح می‌باشد؛ به بیان دیگر گستردگی کشمکش حق و باطل در پهنه آفرینش و بستر تاریخ دارای قدمت ازلی و آینده ابدی خواهد بود که البته بر اساس برخی نگرش‌ها در دوران

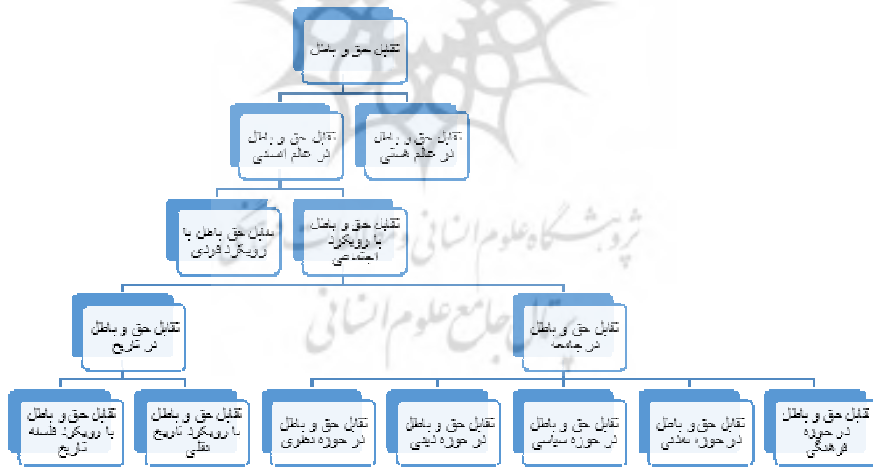
ظهور و حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با ازبین رفتن جنبه باطل (با رویکرد اجتماعی)، این تقابل برای همیشه از میان خواهد رفت و جنبه حق برای همیشه بدون رقیب، جاویدان و ماندگار خواهد بود. چنانکه امیر مومنان علیه السلام می‌فرماید: «لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ وَ لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ؛ برای باطل جولان ظاهری و برای حق دولت ماندگاری است» (حافظ برسی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۶۱). ظرف دنیا ظرفی است که حق و باطل در آن مختلط و درهم آمیخته است و امکان ظهور حق محض با همه آثار و خواصش جدای از باطل وجود ندارد؛ از این رو هیچ حقی جلوه نمی‌کند مگر آنکه با باطلی در آمیخته شود و شک و شبهه‌ای در آن راه یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۹۹)؛ بنابراین طبیعت این دنیا آمیزش و اختلاط حق و باطل است؛ در حالی که طبیعت رستاخیز، جدایی این دو از یکدیگر می‌باشد و به همین دلیل یکی از نام‌های قیامت در قرآن مجید که بارها تکرار شده «یوم الفصل» است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۲).

بر اساس حصر عقلی جهان یا حق است و یا باطل و سومی نداریم؛ یعنی میان حق و باطل میانه و واسطی وجود ندارد؛ هر چیزی اگر حق بود پس باطل نیست و اگر باطل بود پس حق نیست؛ مانند دو شیء متعارض که در یک جا نه جمع می‌شوند و نه منتفی (صدرای شیرازی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۸۰) یا مثل اعداد که یا فرد است و یا زوج، پس ممکن نیست اعداد نه فرد باشد و نه زوج. نسبت میان حق و باطل نیز نسبت متعارضان است؛ یعنی یک چیز نمی‌تواند نه حق باشد و نه باطل و همچنین نمی‌تواند هم حق باشد و هم باطل؛ بلکه اگر حق است پس باطل نیست و اگر باطل است پس حق نیست. در حکمت الهی اصالت در عالم هستی با حق، خیر، حسن، کمال و زیبایی است؛ «فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقُّ إِلَّا الضَّلَالُ؛ این است خدا، پروردگار حقیقی شما، و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید؟» (یونس، ۳۲)؛ «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ؛ این بدان سبب است که خدا خود حق است و آنچه به جای او می‌خوانند، باطل است و این خداست که والا و بزرگ است» (حج، ۶۲).

باطل‌ها، شرور، نقص‌ها و زشتی‌ها در نهایت امر و در تحلیل نهایی به نیستی‌ها منتهی

می‌شوند؛ «جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛ و بگو: حق آمد و باطل نابود شد؛ آری، باطل همواره نابودشدنی است» (اسراء، ۸۱). اصالت همیشگی و ماندنی است و بی‌اصالت‌ها همچون باطل‌ها در نهایت رفتنی و نیست‌شدنی است؛ مانند نور و سایه و مثل آب و کف آب که اصل و حقیقت مال نور است در برابر سایه و نیز مال آب است در برابر کف آب؛ به عبارت دیگر سایه به تبع فقدان نور وجود ظاهری پیدا می‌کند و با وجود نور سایه از بین می‌رود و مثال آب نیز به همین روال تعریف می‌شود که با وجود آب، کف بر آن نقش می‌بندد و با آرامش آب، کف آن از بین رفته و نابود می‌شود؛ «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُ مَثَلٍ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (رعد، ۱۷). حق اصیل و باطل غیراصیل است. همیشه بین امر اصیل و غیر اصیل اختلاف و جنگ بوده است، ولی این طور نیست که حق همیشه مغلوب باشد و باطل همیشه غالب. آن چیزی که استمرار داشته و زندگی و تمدن را ادامه داده، حق بوده است و باطل نمایشی بوده که جرقه‌ای زده، بعد خاموش شده و از بین رفته است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۳۵). جنگ میان حق و باطل همیشه وجود داشته است. باطل به طور موقت روی حق را می‌پوشاند، ولی آن نیرو را ندارد که بتواند به صورت دائم باقی بماند و عاقبت کنار می‌رود. هر وقت جامعه‌ای در مجموع به باطل گرایید، محکوم به فنا شده است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۳۷). باطل همانند کف سیلاب است که لحظاتی چند خودنمایی می‌کند، بالا و پایین می‌رود و سپس متلاشی و نابود می‌شود و چیزی جز آب پاک و سرچشمه اصیل آن باقی نمی‌ماند (قرضاوی، ۱۳۶۰، ص ۸۶). نابودی باطل و بقای حق، یک سنت و قانون الهی است و نه پنداری و تصادفی؛ هر چند پیروان حق کم و طرفداران باطل زیاد باشند؛ چرا که حق همچون آب، ثابت و ماندگار و باطل مانند کف، ناپایدار و فانی است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۰۸)؛ بنابراین باطل از آن جهت همچون کف است که: ۱. رفتنی است؛ ۲. در سایه حق جلوه می‌کند؛ ۳. روی حق را می‌پوشاند؛ ۴. جلوه دارد، ولی ارزش ندارد؛ نه تشنه‌ای را سیراب می‌کند و نه گیاهی از آن می‌روید؛ ۵. با آرام‌شدن شرایط محو

می‌شود؛ ۶. بالانشین و پرسروصدا، اما توخالی و بی‌محتوا است (قرائی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۰۷).
گسترده‌گی و پردامنگی مصاف حق و باطل در دو فرض طولی و عرضی قابل توجیه است. دلیل این گسترده‌گی و پردامنگی، جریان و تسری این تقابل در همه‌انواع عوالم هستی همچون عالم مجردات، عالم مادیات، عالم طبیعات و عالم انسانی می‌باشد. بر این اساس تقابل حق و باطل در حوزه‌های مختلفی مانند عالم هستی به طور مطلق و عالم طبیعی و عالم انسانی به طور خاص مطرح است؛ این تقابل در عالم انسانی به دو رویکرد فردی و اجتماعی قابل تقسیم بوده که در رویکرد اجتماعی به تقابل حق و باطل با نگرش تاریخی و نگرش جامعه‌شناختی تقسیم می‌شود؛ نگرش تاریخی به دو رویکرد تاریخ نقلی و تاریخ عقلی (فلسفه تاریخ) و نگرش جامعه‌شناختی به ابعادی مانند تقابل حق و باطل با رویکرد فرهنگی، سیاسی، تمدنی، دینی، معرفتی، اعتقادی و ... قابل تقسیم می‌باشد. پس سریان تقابل حق و باطل در همه‌انواع عوالم با رویکردهای گوناگون در ابعاد و ساحت‌های مختلف، همگی دلیل بر گسترده‌گی قلمرو تقابل حق و باطل می‌باشد.



در بیان فراگیری تقابل حق و باطل گفته می‌شود که این تقابل نه فقط در نگرش‌های دینی و ادیان آسمانی، بلکه در میان ادیان زمینی و مکاتب بشری نیز مطرح می‌باشد. بر این اساس در نگرش‌های فلسفی اندیشمندان و فلاسفه شرقی و غربی با ایده‌پردازی

فلسفی با رویکرد اجتماعی به نظریه پردازی در این خصوص پرداخته و به تبیین مدل‌های مختلفی از آرمان شهرها و مدینه‌های فاضله اقدام کرده‌اند؛ برای مثال افلاطون در رساله جمهوری به ایده مدینه فاضله اشاره کرده است. در میان فلاسفه اسلامی فارابی با نگاه اسلامی ایده «اندیشه‌های اهل مدینه فاضله» را مطرح کرده است. در میان صاحبان ادیان و مکاتب بشری کانت تقابل حق و باطل را در قالب تقابل خیر و شر تعریف و پردازش کرده است و هانتینگتون^۱ تنازع حق و باطل را در حیطه برخورد تمدن‌ها تبیین و تحلیل کرده است. در میان اندیشمندان مسیحی نیز افرادی مانند آگوستین تقابل حق و باطل را در قالب شهر خدا و شهر زمین نشان داده است.

شایان ذکر است که در میان فلاسفه، افلاطون اولین فیلسوفی است که به این امر مبادرت کرده است و در میان فلاسفه اسلامی فارابی اولین فیلسوفی است که نظریه مدینه فاضله مطرح کرده است (آقا جعفری، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

در این نوشتار در میان تقابل حق و باطل در عوالم مختلف تنها به عالم انسانی پرداخته شده و در میان ابعاد مختلف تقابل حق و باطل در ساحت انسانی تنها به ساحت اجتماعی توجه گردیده و در میان ابعاد مختلف تقابل حق و باطل در ساحت اجتماعی تنها پیرامون ساحت سیاسی با رویکرد انتظار و مکتب شهید سلیمانی تحقیق شده است.

۳. مصاف حق و باطل در عصر غیبت

تقابل حق و باطل در همه اعصار از گذشته‌های دور تا آینده‌های دورتر برقرار بوده و خواهد بود. در این میان عصر غیبت و عصر پنهان‌زیستی امام زمان علیه السلام نه تنها از این قاعده مستثنا نبوده، بلکه در این دوران تقابل حق و باطل با شدت و حدت بیشتری میان مهدی‌باوران و مهدی‌ستیزان در جریان است. در این صف‌آرایی و تقابل یک طرف مستضعفان جهانی به طور عام و شیعیان به طور خاص به رهبری فقها و جانشینان امام زمان علیه السلام و طرف دیگر گروه مستکبران جهانی به طور عام و صهیونیسم به طور خاص

1. Huntington

به رهبری سرکردگان‌شان قرار دارند. چنانکه امام خمینی در پیام منشور روحانیت می‌فرماید: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست؛ جنگ ما جنگ فقر و غنا بود؛ جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۷۳). فرایند این مصاف و کشمکش تا رخداد ظهور و آمدن منجی جهانی ادامه داشته و در نهایت با ظهور منجی، این تقابل به نفع منجی‌باوران به پایان خواهد رسید.

بر اساس داده‌های روایی و تاریخی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه مختلف و متنوع بوده و از نظر زمانی به دو قسم کوتاه و بلند تقسیم می‌شود.^۱ غیبت کوتاه که به غیبت صغرا شهره است، دارای شاخصه‌های سه‌گانه‌ای همچون جانشینی نایبان خاص از امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ارتباط‌گیری مردم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه در قالب توقیع و محدودبودن زمان غیبت است. غیبت بلند که به غیبت کبرا مشهور است برخلاف شاخصه‌های قبلی دارای سه شاخصه متفاوت مانند جانشینی نایبان عام از امام زمان عجل الله تعالی فرجه، قطع ارتباط میان امام زمان عجل الله تعالی فرجه و مردم و طولانی‌بودن زمان غیبت می‌باشد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۴). با توجه به تفاوت‌ها و تمایزاتی که میان غیبت صغرا و کبرا وجود دارد، مصاف و تقابل حق و باطل نیز متفاوت و متمایز می‌شود. بر این اساس در غیبت صغرا تقابل و کشمکش میان منتظران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به رهبری نایبان خاص با مخالفان اسلام و مهدویت می‌باشد. ولی در غیبت کبری این تقابل، متنوع‌تر و گسترده‌تر شده و فقها به خصوص ولی فقیه به‌عنوان جانشینان امام زمان عجل الله تعالی فرجه در رأس جبهه منتظران قرار دارند. شهید سلیمانی در بیان جایگاه مهم ولی فقیه و صیانت از این اصل مهم به‌عنوان یکی از اصول انقلاب اسلامی خطاب به مردم می‌نویسد: «برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ ... منزه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد، اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم است. اساس دشمنی جهان با

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۴۰).

جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله ﷺ و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب می بیند» (سلیمانی، ۱۳۹۹، «الف»، ص ۴).

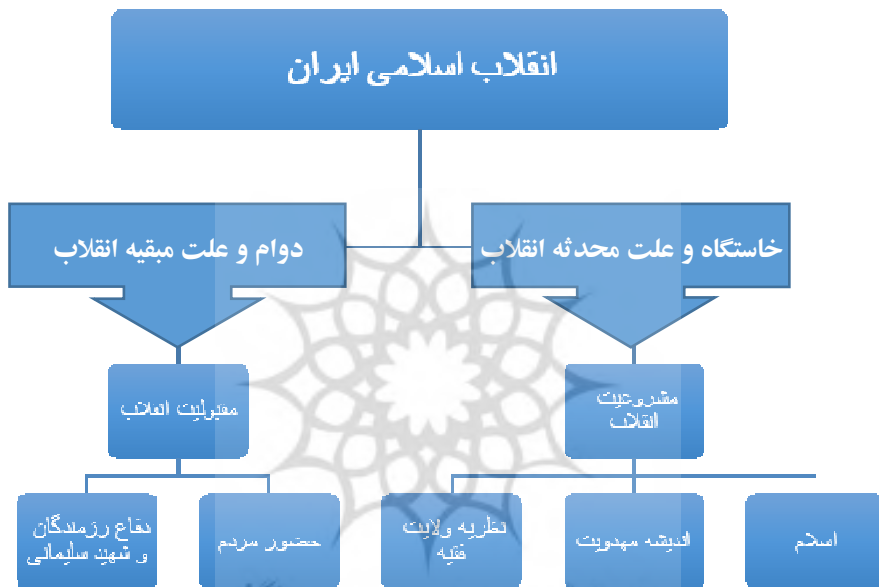
و ایشان در ادامه در خطاب به علمای اسلامی به عنوان هشدار می گوید: «سخنی کوتاه از یک سرباز چهل ساله در میدان، به علمای عظیم الشان و مراجع گران قدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی. مراجع عظام تقلید؛ سربازان از یک برج دیده بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش های آن [که] شما در حوزه ها استخوان خُرد کرده اید و زحمت کشیده اید، از بین می رود. این دوره ها با همه دوره ها متفاوت است، این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی ماند. راه صحیح، حمایت بدون هر گونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است» (سلیمانی، ۱۳۹۹ «الف»، ص ۴).

۴. اندیشه مهدویت خاستگاه مکتب امامین انقلاب

یکی از شاخصه های مهم مکتب امامین انقلاب، مشروعیت و مقبولیت آن است که با مؤلفه های چهارگانه «اسلام»، «اندیشه مهدویت»، «نظریه ولایت فقیه» و «حضور مردم» توجیه می شود. اسلام، اندیشه مهدویت و نظریه ولایت فقیه به صورت طولی به عنوان خاستگاه شرعی مکتب امامین انقلاب شناخته می شوند و حضور و حمایت های مردم به عنوان بقا و استمرار گر آن نقش ایفا می کند که در واقع سه مؤلفه اول به عنوان علت محدثه، حقانیت و مشروعیت مکتب امامین انقلاب را ثابت می کند و مؤلفه اخیر یعنی حضور مردم به عنوان علت مبقیه، مقبولیت آن را توجیه می کند.

چنانکه بیان شد تداوم و حیات هر نهضت و انقلابی به مقبولیت آن نظام نزد مردم باز می گردد و مقبولیت مردمی نظام نیز متفرع بر حضور پرشور و پرانگیزه مردم و نیز مشارکت جدی و همه جانبه آنها در صحنه های مختلف انقلاب است؛ پس مقبولیت مردمی عامل حیات و تداوم انقلاب و حضور و مشارکت مردم در صحنه بیانگر مقبولیت نظام است. نقش شهید سلیمانی و رزمندگان اسلام در دو جبهه حق علیه باطل بود؛

یکی جبههٔ درونی که موجب صیانت از حدود و ثغور کیان ایران اسلامی و دیگری جبههٔ بیرونی که موجب حفاظت از حدود و ثغور فرهنگ ناب اسلامی در منطقهٔ خاورمیانه شد تا علاوه بر شناخت و معرفی جایگاه و کارکرد انقلاب اسلامی ایران برای جهانیان، بسترهای مقبولیت مرزی و برون‌مرزی آن نیز برای مردم ایران و خاورمیانه ثابت شود.



در طول تاریخ اسلامی کشمکش‌های حق و باطل میان مسلمانان بالاخص میان باورمندان شیعه با مخالفان اسلام و مذهب تشیع مطرح بوده است. در این میان فقیهان به خصوص ولی فقیه در رأس این مبارزه قرار داشته و به‌گونه‌ای هدایت و رهبری حق‌پویان را عهده‌دار بوده‌اند. در برخی از برهه‌ها و مقاطع تاریخی به سبب برخی رخدادها، حوادث اجتماعی و نهضت‌های مردمی این کشمکش جدی‌تر، گسترده‌تر و عمیق‌تر به وقوع پیوسته است که از جملهٔ آن‌ها نهضت بزرگ امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. این

نهضت بزرگ در فرایند شکل‌گیری تا رسیدن به پیروزی دچار فراز و فرودهای مختلفی را پشت سر گذاشت و با دشمنان و مخالفان گوناگونی روبه‌رو شد. این مبارزه و مواجهه که میان طاغوتان و ستمگران جهانی با نهضت حق‌طلبانه امام خمینی رخ داده، در واقع نماد تقابل حق و باطل در عصر غیبت را به منصفه ظهور رسانده است؛ چنانکه شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود می‌نویسد: «راه امام راه مبارزه با آمریکا و مصاف با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفان جهانی است و این راه همان مقابله حق و باطل و رودررویی استضعاف در برابر استکبار و مقابله ستمدیدگان در برابر ستمگران است و مواجهه مظلومان در برابر ظالمان می‌باشد» (سلیمانی، ۱۳۹۹ «الف»، ص ۵).

بی‌شک نهضت امام خمینی با خاستگاهی به نام اسلام که به نوعی مشروعیت آن را تأمین می‌کند و با حامیانی به نام مردم ایران و مستضعفان جهانی که به نوعی مقبولیت آن را تضمین می‌کند، به سوی دو هدف کوتاه‌مدت و بلندمدت به پیش می‌رود؛ در هدف کوتاه‌مدت زمینه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت فراهم می‌شود و در هدف بلندمدت بحث ظهور و رسیدن به دولت جهانی مهدوی مطرح می‌شود؛ چنانکه امام خمینی می‌فرماید: «انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا له فداء - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۳۲۷)؛ همچنین ایشان می‌فرماید: «امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۱۳۱) در این خصوص مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: «اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود ارواحنا له فداء و عجل‌الله فرجه به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن ایجاد حاکمیت قرآن است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) و همچنین می‌فرماید: «تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی (تشکیل حکومت عدل مهدوی) است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست.»! (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

بی‌شک انقلاب اسلامی ایران در دوران معاصر الگو و نمونه خوبی در حوزه مصافح و باطل است. این نهضت چنانکه بیان شد دارای دو هدف کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد که برای نیل به هر دو هدف نیاز به برخی الزامات و بسترهای نظری و عملی دارد. بسترهای نظری در واقع همان بسترهای عقیدتی بوده و در قالب اندیشه مهدویت و نظریه ولایت فقیه خودنمایی می‌کند و به نوعی تأمین‌کننده عقبه نظری و عقیدتی این نهضت می‌باشد؛ بسترهای عملی نیز در قالب نیروسازی و تربیت افراد متعهد و کارآمد جلوه کرده و با واگذاری مسئولیت‌ها به افراد توانمند و متعهد اجرایی و عملیاتی می‌شود. در انقلاب اسلامی ایران با طرح نظریه ولایت فقیه از ناحیه امام خمینی و اعتقاد مردم بر اینکه ولی فقیه نماینده و جانشین امام زمان علیه السلام است، به بعد نظری و عقیدتی انقلاب اسلامی جامه عمل پوشانده شد و در بعد عملی نیز در طول سالیان متمادی از شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲ تا پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ نیروهای فداکار، متعهد و انقلابی همچون رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس و دفاع حرم نظیر حاج قاسم سلیمانی تربیت شده‌اند؛ چنانکه مقام معظم رهبری در خصوص شهید حاج قاسم سلیمانی می‌فرماید: «او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳) و در بیانات دیگر می‌فرماید: «پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها در دوران دفاع مقدس گذاشته شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۶/۳۱) از جمله شاخصه‌های مهم شهید سلیمانی حضور در دو جبهه حق و باطل بود؛ یعنی علاوه بر حضور در جنگ تحمیلی، در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام نیز مشارکت و حضور جدی داشته و با رشادتها و فداکاری‌های خالصانه علاوه بر صیانت از کیان کشور ایران اسلامی، به حفاظت از حدود و ثغور خاورمیانه و کشورهای اسلامی نیز اقدام کرده است.

۵. شهید سلیمانی مبارز ملی و فراملی

بر اساس مطالعات و داده‌های تاریخی انسان‌های مهم و تاریخ‌ساز از نظر کارکرد تاریخی و اثر بخشی اجتماعی متفاوت می‌باشند. تفاوت و تنوع اثربخشی انسان‌های

تاریخ‌ساز بیشتر به حیطة مصاف حق و باطل و قلمروی مبارزات اجتماعی آنها باز می‌گردد. هرچه این مبارزات و مصاف حق و باطل در گستره و جغرافیای وسیع‌تری واقع شود، اثر بخشی و الگودهی آن نیز وسیع‌تر و ماندگارتر خواهد بود. بر این اساس برخی از مجاهدان و مبارزان در قلمروی کشور خاص و جغرافیای محدود تأثیرگذاری داشته و برای مردم همان کشور و همان منطقه الگودهی ایجاد کرده‌اند؛ یعنی جایگاه و نقش مبارزاتی آن‌ها فراملی و فرادینی نبوده، بلکه رنگ‌وبوی ملیت، قومیت و جغرافیای خاص را دارد؛ در مقابل برخی از انسان‌های مهم تاریخی با نگرش فراملی و فرادینی حیطة و گستره مبارزاتی فراملی و فراجغرافیایی پیدا کرده و نقش و تأثیرگذاری آنها نیز پرگستره و وسیع می‌باشد و برای مردم جهان الگو و زندگی جدیدی را رقم می‌زند. از جمله انسان‌های مهم تاریخی در دوران معاصر که نقش فراملی و فرادینی به خود گرفته و کارکرد فراجغرافیایی پیدا کرده‌اند، امامین انقلاب و شاگردان دست‌پرورده آنها همچون شهید سلیمانی و دیگر فرماندهان رشید اسلام می‌باشند. شهید سلیمانی در دو حوزه ملی و فراملی حضور جدی داشته است؛ در حوزه ملی در دو صحنه شکل‌گیری انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق مشارکت فعال داشته است، به گونه‌ای که رشادت‌ها و فداکاری‌های ایشان برای مردم ایران و رزمندگان اسلام ماندگار و قابل تأسی می‌باشد (سلیمانی، ۱۳۹۹ «ب»، ص ۶۴) و در جبهه فراملی که همان جنگ خاورمیانه و مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهان و اذتاب آنها مانند داعش و القاعده و... می‌باشد، به دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام مشهور بوده است. شهید سلیمانی با حضور پررنگ و مجاهدت‌های مخلصانه فرماندهی این جبهه را بر عهده داشته و رزمندگان و همراهان ایشان از کشورهای مختلف، ملیت‌ها و ادیان گوناگون، مذاهب و سلاقی متنوع بوده است که این نشان از حرکت فراملی، فراجغرافیایی، فرادینی و فرامذهبی شهید سلیمانی دارد که این حرکت فراگیر، تأثیرات و الگودهی فراگیر را نیز به همراه خواهد داشت.

چنان‌که برخی اندیشمندان عرب در نشست «ویژگی‌های الگوی راهبردی از نگاه شهید سلیمانی» به این ویژگی فراکشوری و فراملی شهید سلیمانی اشاره کرده‌اند؛

«عبدالخالق فاروق» استاد مصری تصریح کرد: «ما دو دسته از مبارزه و حرکت‌های آزادی‌بخش داریم: نخست همان رهبران ملی طالب آزادی هستند که در دهه‌های پنجاه و شصت قرن میلادی گذشته در مبارزه با استعمارگران شاهد آنها بوده‌ایم و در محدودهٔ زمان و مکان منحصر بودند و دسته دیگر، رهبران راهبردی طالب آزادی هستند که فراتر از مکان و زمان و قومیت، فراملی و حتی منطقه‌ای هستند، مانند حاج قاسم سلیمانی» (عبدالخالق فاروق، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳). چنان‌که مقام معظم رهبری در بیان شاخصه‌های شهید سلیمانی می‌فرماید: «او همهٔ عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراندید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفهٔ او در همهٔ این سالیان بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳). ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «بنده قلباً و زبناً او را تحسین می‌کردم، اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می‌کنم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

۶. انتظار الگوبخش مبارزات شهید سلیمانی

مصاف و ستیز حق و باطل در عصر پنهان‌زیستی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه که به عصر غیبت شهره است، دارای مؤلفه‌های سه‌گانه‌ای به نام «بستر»، «فرایند» و «برایند» است؛ یعنی شکل‌گیری و بازشناسی حوزهٔ مبارزهٔ حق و باطل در عصر غیبت وابسته به سه مقولهٔ بسترشناسی، فرایندشناسی و برایندشناسی است که حق‌جویان با معرفت و شناخت نسبت به این سه مقوله، در مواجهه با مستکبران موفق‌تر و کارآمدتر عمل می‌کنند؛ به بیان دیگر اصل غیبت و پنهان‌زیستی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه به‌عنوان بسترگاه شکل‌گیری مبارزهٔ حق و باطل، آموزهٔ انتظار که بیانگر معرفی راهکار و چگونگی برخورد با مستکبران است به‌عنوان فرایند شکل‌گیری این مبارزه و مقولهٔ ظهور که با رویکرد غایت‌شناختی توجیه می‌شود به‌عنوان غایت و هدف مبارزهٔ حق و باطل شناخته می‌شود. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی در عصر غیبت که بسترگاه مبارزهٔ حق علیه باطل است شکل گرفته است. این حرکت مقدس با اندیشهٔ مهدویت و آموزهٔ انتظار که الهام‌بخش روحیهٔ امید و امیدواری در منتظران و یاران امامین انقلاب است تداوم پیدا کرده و با ظهور

به‌عنوان طلوع خورشید ولایت، غایت‌بخشی می‌شود. رزمندگان و فرماندهان شجاع اسلام به طور عام و شهید حاج قاسم سلیمانی به طور خاص که به‌عنوان منتظران واقعی امام زمان علیه السلام و یاران واقعی امامین انقلاب شناخته می‌شوند، با درس‌آموزی از باورداشت انتظار با روحیه قوی و مقاوم در مسیر مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی قرار گرفته و با تبعیت و پیروی از ولایت برای رسیدن به ظهور و جامعه مطلوب مهدوی پیوسته در حال مبارزه و جهاد با مستکبران بوده‌اند. چنان‌که مقام معظم رهبری در خصوص پیروزی جبهه حق علیه استکبار جهانی می‌فرماید: «شکی نیست که در مصاف حق و باطل، پیروزی از آن حق و شکست و زوال، سرنوشت باطل است؛ مشروط بر آنکه جبهه حق از نیروی مادی و معنوی خویش به‌گونه‌ای درست بهره بگیرد و با خردمندی، تلاش شایسته، با استقامت و امید، با توکل به خدا و اعتماد به نفس، راه درست را بجوید و پیماید. در این صورت امداد و نصرت الهی حق مسلمی است که وعده قرآنی برای او مقرر فرموده است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَبْطِئْ أَعْدَاءَكُمْ» و «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» و «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹).

۶. راهبرد مقاومت در مکتب شهید سلیمانی

مکتب شهید سلیمانی که برآمده از مکتب امامین انقلاب است، دارای شاخصه‌های مختلفی همچون انقلابی‌گری، ولایت‌مداری، ایمان‌محوری، معنویت‌گرایی، شجاعت‌ورزی، شهادت‌طلبی، استکبارستیزی، مقاومت و استقامت‌ورزی است. تک‌تک این شاخصه‌ها که بیانگر شاخصه مکتب شهید سلیمانی است در روایات انتظار جزو شاخصه‌های منتظران تلقی شده و پیاده‌سازی و نهادینه‌سازی آن‌ها و نیز آراستگی و مزین شدن شیعیان و منتظران واقعی به آنها از جمله سفارشات حتمی حضرات معصومین علیهم السلام می‌باشد. در میان شاخصه‌های انتظار شاخصه صبر و مقاومت دارای تأثیرگذاری و برجستگی خاصی است که علاوه بر تأکید زیاد معصومین علیهم السلام، در بیشتر روایات انتظار نیز به این موضوع اشاره شده است. علت این همه سفارشات به بهره‌مندی

از صبر و مقاومت و این همه همراهی صبر و مقاومت با انتظار به جهت الزامات و ویژگی‌های خاصی است که در دوران غیبت وجود دارد؛ چراکه منتظران و شیعیان از حضور طبیعی امام در جامعه محروم بوده و بیشتر دچار چالش‌ها و تهدیدهای فردی و اجتماعی می‌شوند و در این حالت ابزار صبر و مقاومت، کارآمدترین و کاربردی‌ترین ابزار جهت برون‌رفت از این معضلات و مشکلات می‌باشد. شهید سلیمانی که از شاگردان مکتب امامین انقلاب و از دست‌پروردگان این مکتب نوین مردم‌سالار دینی می‌باشد، در مقابله با استکبار و هم‌پیمانان آن‌ها همچون گروه‌های متعصب و خشک داعش، طالبان، القاعده و ... با شاخصهٔ ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و مقاومت علاوه بر پیروزی بر مستکبران و صهیونیسم جهانی، زمینه‌ساز اضمحلال و نابودی دست‌پروردگان آنها مثل گروه منحرف داعش را فراهم کرده است. بی‌شک شهید حاج قاسم سلیمانی و مدافعان حرم با الهام‌گیری از فرهنگ انتظار و درس‌آموزی از مکتب امامین انقلاب، شاخصهٔ انتظار را در منطقه و جهان اسلام در میان مسلمانان و جوامع اسلامی به‌عنوان یک فرهنگ غالب نمایان کرده و با نگرش کاربردی و اجرایی بستر نهادینه‌سازی آن را با شاخصهٔ صبر و مقاومت تضمین کرده است.

نتیجه‌گیری

شهید سلیمانی از پیروان و تربیت‌شدگان امامین انقلاب است و مکتب او بر گرفته از مکتب امامین انقلاب می‌باشد. مکتب شهید سلیمانی به معنای مکتب اصطلاحی که دارای جهانی‌بینی و ایدئولوژی خاص و دارای مبانی و اصول مشخص باشد نیست، بلکه به معنای سبک و روش خاص در مبارزه با دشمنان اسلام و مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی همراه با رویکرد مقاومت و تاب‌آوری است. به‌طور کلی انقلاب اسلامی به سرپرستی ولی فقیه در سه مؤلفهٔ بسترشناسی، فرایندشناسی و برابندشناسی بازشناسی می‌شود. نقش مردم و رزمندگان اسلام و حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان منتظران واقعی بیشتر در راستای مؤلفهٔ دوم یعنی فرایندشناسی انقلاب نمایان می‌شود. فرایندشناسی در واقع همان حد فاصله میان بسترشناسی (خاستگاه انقلاب) و

برایندشناسی (غایت انقلاب) است که به نوعی بیانگر نقش آفرینی مردم و سپاهیان اسلام و در رأس آنها حاج قاسم سلیمانی بوده و موجب استحکام پایه‌های نظام جمهوری اسلامی و مقبولیت و مطلوبیت آن در میان مردم ایران و خاورمیانه با رویکرد ملی و فرا ملی شده است و با کار بست شاخصه‌های انتظار همچون بالندگی، امیدواری، مقاومت و تاب‌آوری در مسیر مبارزه و ستیز با استکبار و صهیونیسم جهانی برای رسیدن به هدف بزرگ یعنی طلوع خورشید ولایت گام برداشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. آقاجعفری، هما. (۱۳۸۶). آرمان‌شهر از دیدگاه مکاتب و فلاسفه. مجله حدیث زندگی، شماره ۳۸، برگرفته از سایت: <https://b2n.ir/d91534>
۲. ابن منظور، محمد. (۱۴۱۹ق). لسان العرب (ج ۵، ۱۱، ۱۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی.
۳. الهی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۴). مهدویت مبنای دین‌شناختی ولایت فقیه در تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران. مجله پژوهش‌های مهدوی، شماره ۱۵، صص ۶۵ - ۸۲.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). رحیق مختوم (محقق: حمید پارسانیا، ج ۵). قم: اسرا.
۵. حافظ برسی، رجب بن محمد. (۱۴۲۲ق). مشارق انوار الیقین. بیروت: اعلمی.
۶. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸/۱۰/۲۷). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/g11466>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۱۰/۱۳). در پیام شهادت حاج قاسم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://khl.ink/f/44554>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). بیانات در دیدار با مردم قم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://khl.ink/f/44628>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۰۵/۲۷). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/t45065>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳/۱۰/۲۹). بیانات در پیام به کنگره عظیم حج سال. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/x04090>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰/۱۱/۳۰). بیانات در سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم در

سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار

آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/s30882>

۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹/۶/۳۱). بیانات در آیین تجلیل پیشکسوتان دفاع مقدس. برگرفته

از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://khl.ink/f/46525>

۱۳. خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۱۶، ۲۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات قرآن (ج ۱). بیروت: دارالاسلامیه.

۱۵. رحیم‌پور، فروغ السادات. (۱۳۸۵). تحلیلی از ساختار حق و باطل در قرآن با تأکید بر

دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان. پژوهش دینی، شماره ۱۳، صص ۱۴۷-۱۶۵.

۱۶. رستمی‌زاده، رضا. (۱۳۷۹). حق و باطل از دیدگاه امام علی علیه السلام، فصلنامه معرفت، شماره ۳۹، صص ۳۸-۴۶.

۱۷. رمضانی، علی. (۱۳۹۰). معنای حق در نگاه اندیشمندان اسلامی. مجله معرفت حقوقی، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۲.

۱۸. سلیمانی، قاسم. (۱۳۹۹ «الف»). میثاق‌نامه مکتب حاج قاسم. تهران: نشر حفظ آثار حاج قاسم.

۱۹. سلیمانی، قاسم. (۱۳۹۹ «ب»). از چیزی نمی‌ترسم. تهران: مکتب حاج قاسم.

۲۰. صادقی‌تهرانی، محمد. (۱۳۸۸). ترجمان فرقان (ج ۳). قم: شکرانه.

۲۱. صدرای شیرازی، محمد. (۱۳۶۰). شواهد الربوبیه (ج ۱، چاپ دوم). مشهد: مرکز الجامعی للنشر.

۲۲. ضیایی‌فر، سعید. (۱۳۸۶). درنگی در اصطلاح مکتب فقهی. مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۵۳، صص ۱۶۵-۱۷۵.

۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان (ج ۲). قم: جامعه مدرسین.

۲۴. فاروق، عبدالخالق. (۱۳۹۹). نشست «ویژگی‌های الگوی راهبردی از نگاه شهید سلیمانی».

(۱۳۹۹/۱۰/۱۳). به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی سفارت جمهوری اسلامی استکهلم،

FI <https://b2n.ir/f58852>

۲۵. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور (ج ۶، ۷). تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.
۲۶. قرضاوی، یوسف. (۱۳۶۰). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: نشر فرهنگ قرآن.
۲۷. کارگر، رحیم. (۱۳۸۵). مهدویت و فرجام ستیز حق و باطل. مجله انتظار موعود، ۷(۱۹)، صص ۸۷-۱۳۶.
۲۸. کلینی، محمد. (۱۳۶۵). کافی (ج ۱). تهران: دارالکتب اسلامیة.
۲۹. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۶). التحقیق (ج ۲). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). حق و باطل. تهران: صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار (ج ۲). تهران: صدرا.
۳۲. مقرمی قیومی، احمد. (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر (ج ۲). قم: دارالهجره.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۱۹). قم: جامعه مدرسین.



References

* The Holy Qur'an

1. Agha Jafari, H. (1386 AP). The ideal city from the point of view of schools and philosophers. *Journal of Hadith of Life*. 38. [In Persian]
2. Elahinejad, H. (1394 AP). Mahdiism as the religious basis of religious authority in consolidating the system of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Mahdavi Research* (15), pp. 82-65. [In Persian]
3. Farooq, A. (13/10/1399 AP). *A meeting on "Characteristics of the strategic model from the point of view of Shahid Soleimani"*. Information Website of the Embassy of the Islamic Republic of Stockholm. From: FI <https://b2n.ir/f58852>. [In Persian]
4. Hafez Bersi, R. (1422 AH). *Mashareq Anwar Al-Yaqin*, Alami, Beirut. [In Arabic]
5. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vols. 10, 11). Dar al-Fikr le Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi'- Dar Sader, Beirut: Mu'asisah Al-Tarikh al-Araby. [In Arabic]
6. Ibn Manzoor, M. (1419 AH). *Lisan al-Arab*. (Vols. 5, 10, 11). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. Mu'asisah Al-Tarikh al-Arabi. [In Arabic]
7. Imam Khomeini, R. (1389 AP). *Sahifeh Imam* (Vols. 16 & 21). Tehran: The Institute for Publications and Preparation of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
8. Javadi Amoli, A. (1386 AP). *Raheeq Makhtoum* (5th ed., H, Parsania, Ed.). Qom: Isra'. [In Persian]
9. Khamenei, S. A. (10/27/1398 AP), *Friday prayer sermons*, Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://b2n.ir/g11466>. [In Persian]
10. Khamenei, S. A. (10/29/1383 AP). *Message to the Great Hajj Congress of 2004*, Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://b2n.ir/x04090>. [In Persian]

11. Khamenei, S. A. (11/30/1370 AP). *A speech at the great gathering of the people of Qom, on the anniversary of the birth of Hazrat Mahdi*. Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://b2n.ir/s30882>. [In Persian]
12. Khamenei, S. A. (13/10/1398 AP). *In the message of the martyrdom of Haj Qasem*, Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://khl.ink/f/44554>. [In Persian]
13. Khamenei, S. A. (18/10/1398 AP). *Statements in the meeting with the people of Qom*, Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://khl.ink/f/44628>. [In Persian]
14. Khamenei, S. A. (27/5/1387 AP) *The meeting of different classes of people on the day of the middle of Sha'ban*. Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://b2n.ir/t45065>. [In Persian]
15. Khamenei, S. A. (31/6/1399 AP). *Statements in honoring the veterans of the Holy Defense*. Information Website of Ayatollah Khamenei's Works Preparation and Publications Office. From: <https://khl.ink/f/46525>. [In Persian]
16. Koleyni, M. (1365 AP). *Kafi*. vol.1, Tehran: Dar Al-Kotob Islamiyeh. [In Persian]
17. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 19). Qom: Community of Teachers. [In Persian]
18. Moghrami Qayyumi, A. (1405 AP). *Al-Misbah Al-Munir* (Vol. 2). Qom: Dar al-Hijrah. [In Persian]
19. Mostafavi, H. (1386 AP). *Al-Tahqiq* (Vol. 2). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
20. Motahari, M. (1369 AP). *Right and wrong*. Tehran: Sadra. [In Persian]
21. Motahari, M. (1385 AP). *Collection of works* (Vol. 2). Tehran, Sadra. [In Persian]
22. Qaraati, M. (1383 AP). *Tafsir Noor* (Vols. 6 & 7). Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. [In Persian]

23. Qardawi, Y. (1360 AP). *Right and wrong from the point of view of the Qur'an*. Tehran: Farhang Qur'an Publishing House. [In Persian]
24. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Islamiya. [In Arabic]
25. Rahimpour, F. (1385 AP), An analysis of the structure of right and wrong in the Qur'an with an emphasis on the view of Allameh Tabatabaei in *Al-Mizan. Religious Research*, (13), pp. 147-165. [In Persian]
26. Ramezani, A. (1390 AP). The Meaning of Right in the views of Islamic Thinkers. *Legal Knowledge Journal*, (2), pp. 89-112. [In Persian]
27. Rostami Zadeh, R. (1379 AP). Right and Wrong from the viewpoint of Imam Ali. *Ma'arefat Journal*, (39), pp. 38-46.
28. Sadeghi Tehrani, M. (1388 AP). *Tarjoman Furqan* (Vol. 3). Qom: Shokarane. [In Persian]
29. Sadraei Shirazi, M. (1360 AP). *Shawahid al-Rububiya* (Vol. 1, 2nd ed). Mashhad: Al-Markaz Al-Jamaei le al-Nashr. [In Persian]
30. Soleimani, Q. (1399 AP). *Charter of Haj Qasem School*. Tehran: Publications of Hajf Qasem's works. [In Persian]
31. Soleimani, Q. (1399 AP). *I am not afraid of anything*. Tehran: Haj Qasem School. [In Persian]
32. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AP). *Al-Mizan* (Vol. 2). Qom: Teachers Community. [In Persian]
33. Ziaiefar, S. (1386 AP). A delay in the term of the school of jurisprudence. *Journal of Fiqh*, (53), pp. 165-175. [In Persian]